

ریشه‌ها در سکوت فریاد می‌زنند

گذری به نمایشگاه انفرادی نقاشی «ریشه‌ها»، از آثار رضا جنگی که در نگارخانه هنگام درحال برگزاری است

امیرمنصور رحیمیان

گزارش روز

کلمات جان‌هرچیزی هستند. هر چیزی که اسم داشته‌باشد و به شکلی بیان بشود، جزو جهان وسیع کلمات است و تمام هنرها لباسی برای پوشاندن کلمات به حساب می‌آیند. با این‌همه باید قبول کنیم که در جهان عجول و بی‌قاعده اکنون که آدم‌ها فرصت و حوصله خواندن نوشته‌های کوتاه‌زیر پست‌های اینستاگرام را هم ندارند، اهمیت شکل بصری و جذابیت تصویری هر مفهوم، بسیار کارآمدتر و قوی‌تر از کلمات است. تجربه دیدار با شکل بصری واژگان، برای کسی که کارش با کلمه است، کمی ترسناک و ازسوی دیگر جذاب است. اینکه هنرمندی بتواند مفاهیمی را که تا دیروز فقط به شکل واژه و آوا به کار می‌رفت در قالب المان‌های بصری به مخاطبان عرضه کند. این‌روزها، نگارخانه‌هنگام مشهد از «ریشه‌های رضا جنگی هنرمند با سابقه شهرمان و کارتون‌بست روزنامه شهرآرا پذیرایی می‌کند. «ریشه‌ها، که سومین نمایشگاه انفرادی نقاشی‌های جنگی محسوب می‌شود تا ۲۰ شهریور میزبان علاقه‌مندان خواهد بود.

● بازآفرینی مفهوم ریشه‌ها

رضا جنگی در این ضیافت تماشا، به عنوان نقاش ظاهر شده و به مطالعه و بازآفرینی مفهوم ریشه‌ها پرداخته است؛ ریشه‌هایی که بیشترشان مربوط به درختان کهنسال و فرتوتی است که در تقابل همیشگی با محیط زیر و خشن شهری هستند. نقاشی‌های جنگی، لحنی خشن و بی‌پروا دارند. مخاطب به محض ورود به نمایشگاه، وارد جهانی پر از امید و درعین حال نفرت‌انگیز می‌شود؛ نفرت از آن نظر که سبک زندگی آدم‌ها چه بلایی بر سر طبیعت و به خصوص درختان آورده است و امیدبخش از بابت تلاش آن‌ها برای زندگی کردن و رشد در این محیط. انگار هنرمند با آثارش و در سکوت، مفهوم ریشه‌ها را فریاد می‌زند.

● سرگردان در گرداب تکنیک

آثار جنگی مثل تمام نمایشگاه‌های گذشته‌اش، از نظر تکنیکی منحصر به فرد هستند. او با پرداختن به زیر کار و ایجاد بافت‌های تصادفی در زمینه، توانسته است زبری و خشونت نهفته در فضای شهری را به خوبی نشان دهد؛ بافت‌هایی که به خوبی در اثر نشسته‌اند و جزئی از کار شده‌اند. این خشونت جایی بیشتر دیده می‌شود که نقاش، آن‌ها را در تقابل با لطافت و سعی گیاه برای زندگی، به تصویر کشیده است.

هیچ نقطه‌ای سفید و بدون رنگ، رها نشده است و این نشان از سعی هنرمند در ارائه یک اثر تمام‌وکمال دارد. ولی سبک و سیاق سوررئال و رئالیسم او در نشان دادن این تضاد در نقطه‌ای به شکست می‌انجامد، جایی که بر رعایت تمام

جزئیات در آثارش اصرار می‌کند؛ برای همین آثار جنگی جایی میان تصویرگری، طراحی و نقاشی در حال دست‌وپا زدن هستند و تکلیف مخاطب را روشن نمی‌کنند. یعنی بیننده در مواجهه با این آثار نمی‌داند که باید به کدام وجه این کارها تکیه کند. او با اینکه به خوبی توانسته است مفهوم و فلسفه این نمایشگاه را در گوش مخاطبان فرو کند، از نظر تکنیکی، آن‌ها را در گرداب سرگردانی

گرفتار می‌کند.

● نگاه نقاش با سبک رئالیسم

ورود نقاش به ریزه کاری‌ها و اصرار به نقش زدن تمام ترک‌ها، خط‌های تفکیک، نوشته‌های روی شیشه مغازه‌ها، شکست‌ها و ترک‌های روی موزاییک‌ها و آسفالت و حتی دانه‌های شن روی زمین، حاوی این پیام است که مخاطب دارد به کارهایی با سبک رئالیسم نگاه

جنگی از فلسفه «ریشه‌ها» می‌گوید

«به نظرم ریشه‌ها عجیب‌ترین قسمت گیاه به حساب می‌آیند و با اینکه زیر خاک هستند، تمام زندگی به آن‌ها وابسته است. ضمن اینکه اصل و اساس هر چیزی هم ریشه‌های آن است و بدون این رشته‌های درهم‌تنیده، هیچ موجودی امکان زیستن ندارد. گاهی در آب و خون هستند و گاهی در خاک و بعضی مواقع در هوا شناورند، اما زنده‌اند. این ریشه‌ها از خاک بیرون زده و طغیان کرده‌اند. ولی همچنان زندگی بخش هستند و زیست موجود دیگری را تامین می‌کنند.

برای بیان این نکته‌ها هم هنر بهترین زبان است. این هنر می‌تواند عکاسی، نقاشی، کاریکاتور، طراحی، مجسمه‌سازی یا هر نوع دیگری از هنر باشد. هر کدام از این رشته‌ها هم تفکر غالب و گرایش‌های خودشان را دارند. ولی خودم احساس می‌کنم بیشتر سمت تصویرسازی رفته‌ام، البته فرم‌هایی که در ریشه‌ها هست، با نقاشی قرابت بیشتری دارد. به نظرم هر کار هنری احتیاج دارد که پشتش یک فلسفه و جهان بینی باشد. بعد از باید به فرم و باقی مسائل بپردازد. این هم احتیاج به سواد بصری و دیدن و صوری کردن دارد،

می‌کند. ولی وقتی همین آثار بدون درنظر گرفتن اختلاف سطوح، زاویه تابش نور، سایه‌های ایجادشده و تفکیک رنگ‌ها اجرا می‌شود، به مخاطب پیام دیگری می‌دهد که نکند این آثار فراواقعی باشد؟ این تضاد، از کارهای او تصویری ناقص به دست می‌دهد؛ تصویری که این فکر را روی موزاییک‌ها و آسفالت و حتی دانه‌های شن روی زمین، حاوی این پیام است که که نقاش تصمیم گرفته است آن‌ها را رنگ‌گذاری کند. این وسواس ریزه کاری، در نقش زدن ریشه‌ها و ساقه‌های درختان، بیشتر هم می‌شود.

ترکیب بندی‌ها هم داستان جداگانه‌ای دارد و در بیشتر آثار به نحو مطلوبی رعایت شده‌است. ولی در برخی آثار، چیدمان عناصر بصری، بدون توجه به طول و عرض قاب و خط سیر بصری است. این‌طور به نظر می‌رسد که در برخی آثار، هیچ مانعی برای فرار نکردن نگاه از عناصر تصویر، تعبیه نشده است، با این حال کارهای او در یک سبک و سیاق طبقه بندی می‌شوند؛ سبک رضا جنگی.

● نیاز هنر به فلسفه و جهان بینی

شاید بشود به جرئت گفت تکنیک جنگی منحصر به خودش است و اگر امضای او زیر آثار نباشد، باز هم می‌شود کارهایش را از بقیه تمیز داد. با وجود باید تمام این‌ها، به جرئت و جسارت رضا جنگی برای نمایش آثارش، آفرین گفت. اینکه هنرمندی با تمام بازی‌های عجیب روزگار، باز هم دست از هنرش نکشیده است، خودش جای تحسین فراوان دارد.

نگارستان

«پرواز تا سقف آسمان» در هنرخانه درخت



نمایشگاه انفرادی «سرامیک‌های کاربردی «پرواز تا سقف آسمان»، روز گذشته در هنرخانه درخت افتتاح‌شد. در این نمایشگاه، آثار فهمیه تون تاب به نمایش گذاشته شده‌است. «پرواز تا سقف آسمان، تا ۱۸ شهریور ادامه خواهد داشت و علاقه‌مندان می‌توانند برای بازدید از آثار آن، از ساعت ۱۷ تا ۲۱ به هنرخانه درخت، واقع در هاشمیه ۲۷، پلاک ۱۴ بروند.

اخبار هنری مشهد

آغاز اجرای «شمشیرها» با بازی هنرمند مشهدی



نمایش «شمشیرها» با بازی مهسا اکبرپور، هنرمند تئاتر مشهد، در پردیس تئاتر تهران روی صحنه می‌رود. «شمشیرها، راصادق شمسایی نوشته‌و امیرحسین غفاری کارگردانی کرده‌است. این نمایش تا ۲۹ شهریور در تهران روی صحنه خواهد بود.

«سیاسفید»، روی آنتن شبکه یک



برنامه تلویزیونی «سیاسفید»، تهیه‌شده در حـــوزه هنری خراسان رضوی، هر هفته شنبه‌ها، ساعت ۱۵:۱۹ از شبکه یک روی آنتن می‌رود. این برنامه به تهیه‌کنندگی رضا حاتمی‌وفا و سردبیری محمدجواد میری، سینمای اجتماعی ایران را مرور می‌کند. در هر قسمت از برنامه علاوه بر گفت‌وگو با یکی از عوامل فیلم‌باستند، موضوع و ســـوز اصلی این تولیدات، رانیز دو کارشناس حوزه اجتماعی، نقد و بررسی می‌کنند. در این برنامه به مسائل مختلف اجتماعی همچون اعتیاد، حاشیه شهر، مطالبات صنفی، فقر، جمعیت، کنکور، نقش اجتماعی زنان و... پرداخته شده‌است.

مهدی صباغ‌زاده، «شیطان صفت» را می‌سازد



مهدی صباغ‌زاده، سینماگر مشهدی که ساخت آثاری چون «صبحانه‌ای برای دو نفر» و «خانه کاغذی» را در کارنامه دارد، برای دریافت پروانه ساخت فیلم سینمایی جدیدی با نام «شیطان صفت»، به کارگردانی و تهیه‌کنندگی خودش، اقدام کرده‌است. آخرین اثر او فیلم کمدی «کلپ همسران» در شهریور ۱۳۹۸ با بازی بازیگرانی چون محمدرضا شیفی‌نیا، گوهر خیراندیش، میترا حجار، شقایق فراهانی، بیژن بنفشه‌خواه، محمدرضا هدایتی، علی انصاریان، سمیرا حسن‌پور و... به نمایش درآمده‌بود.

پخش «بیست و یک روز بعد» در تلویزیون



فیلم سینمایی «بیست و یک روز بعد»، به کارگردانی «سید محمدرضا خردمندان»، جمعه ۱۸ شهریور، ساعت ۱۱:۳۰ از شبکه نمایش پخش می‌شود. این فیلم، داستان پسری است که علاقه دارد فیلم‌ساز شود ولی مادرش مبتلایه سرطان است و داروهای او بسیار گران و پسر تلاش می‌کند پول داروها را جور کند و در این راه به مشکلات زیادی برمی‌خورد. ساره بیات، هنرمند مشهدی، حمیدرضا آرتنگ، امیرحسین صدیق، سینا رازانی، جلال فاطمی، مهدی قربانی و علیرضا استادی در فیلم سینمایی «بیست و یک روز بعد»، هنرنمایی کرده‌اند.

«خط باریک قرمز»، در شبکه مستند



مستند «خط باریک قرمز»، به‌نویسندگی و کارگردانی فرزاد خوشدست، سینماگر مشهدی، در قالب جشنواره مستند سیما روی آنتن می‌رود. این اثر، امروز ساعت‌های ۹ صبح و ۲۴ از شبکه مستند پخش می‌شود. مخاطبان علاقه‌مند به این مجموعه می‌توانند با ارسال ک4 به شماره ۲۰۰۰۸۱ در نظرسنجی بهترین فیلم به انتخاب مخاطبان جشنواره مستند نیز شرکت کنند. این مستند داستانی در سی‌وهشتمین دوره جشنواره جهانی فیلم فجر، برنده جایزه نت‌یک (شبکه توسعه سینمای آسیااقیانوسیه) شد و نماینده سینمای مستند ایران در یازدهمین دوره جوایز آسیاپاسیفیک بود که توانست یکی از پنج نامزد نهایی معرفی شود.

شهر

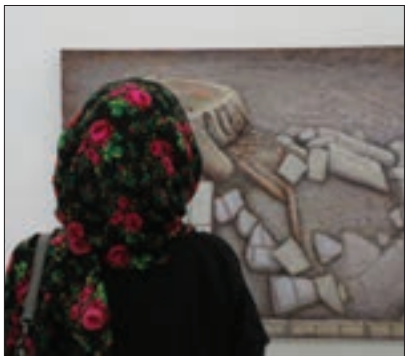
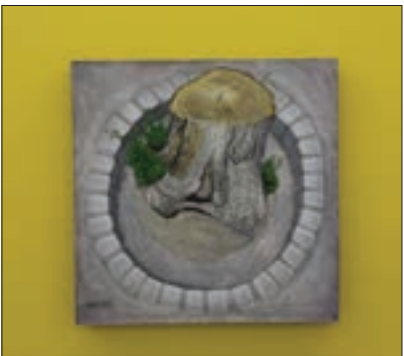
SHAHRAANWS.IR
شنبه ۱۷ شهریور ۱۳۹۸
شماره ۱۱ صفحه ۳۳۵۴

۱۱



فر

عکس: مرلاد سنگانی، شهرآرا



معضلات انسانی و اجتماعی جامعه ما را از نگاه یک خانواده فضایی مدنظر قرار می‌داد، به‌طوری‌که حتی در بازپخش‌های اخیر، «مسافران» از شبکه‌های مختلف، باز هم سکانس‌های پایانی (نامه‌نگاری حسن معجونی یا کنفدراسیون راه شیری) محل توجه مردم قرار می‌گرفت.

در «روزی روزگاری مریخ»، اما همین پی‌رنگ به شکلی وارونه طراحی شده‌است و کار با انتقال یک شخصیت دغل باز و به انتهارسیده زمینی (ناصر) به مریخ آغاز می‌شود.

اینکه یک نویسنده از طرح قبلی خودش برای ساخت اثری تازه الهام بگیرد، به خودی خود اتفاق بدی نیست، اما نکته مهم آن است که انتقال «جد منجمد» به مریخ، نمی‌تواند زمینه‌را برای موشکافی و تحلیل مناسبات اجتماعی مردم، با نگاهی مطایبه‌آمیز و انتقادی، فراهم کند. برعکس، ماجرا دقیقاً وارونه می‌شود و می‌توان گفت که همه چیز در این مجموعه، «مریخی‌سازی» شده‌است. بدین ترتیب، تبدیل کردن موقعیت‌های پرشمار اجتماعی به نسخه مریخی و طنزآلود آن، فقط سرگرمی ایجاد می‌کند، اما نمی‌تواند زمینه‌ای برای تحقق رسالت منتقدانه و تندوتیز کمدی باشد. با این رویکرد، «روزی روزگاری مریخ»، صرفاً به اثری سرگرم‌کننده و پر از شوخی‌های دم‌دستی تبدیل شده‌است که در لوکیشن‌های پیش‌ساخته و متفاوتی می‌گذرد.

● اجرای ناامیدکننده

ساختار فیلم نامه بیشتر سریال‌های کمدی ایرانی برپایه یک چهره در مرکز اثر یا یک زوج بازمه، شامل

کار با تعداد پرشماری از مهم‌ترین کارگردان‌های طنز سینما و تلویزیون ایران را در کارنامه دارد و گروهی از منتقدان، بخش مهم موفقیت فیلم‌های مذکور را به حساب اومی نویسنده، حال‌ادر عرصه کارگردانی، کم‌رقم و بدون خلاقیت ظاهر شده و پس از ساخت دو فیلم و یک سریال با نام «خوب، بد، جلف»، حالا مجموعه «روزی روزگاری مریخ»، را روانه شبکه نمایش خانگی کرده‌است که صرفاً بر جنس شوخی‌های همیشگی و آشنای او تکیه دارد.

در واقع، قاسمخانی یک نویسنده با استعداد ذاتی شگرف در طراحی شوخی‌های کلامی و موقعیت‌های بازمه است، اما تبدیل شدن کمدی موجود در ذهن او به محتوای تصویری، نیازمند واسطه بسیار مهمی است که آن را کارگردانی می‌نامند، شاید به همین دلیل است که شوخی‌های قاسمخانی را مهران مدیری، رامبد جوان و سروش صحت به آثاری هیجان‌انگیز تبدیل کرده‌اند. اما خودش نتوانسته‌است از دو فیلم و دو سریالش در شبکه خانگی، نتیجه‌ای به‌دست آورد که تا سال‌ها در ذهن مخاطب باقی بماند.

● از آخر به اول

«روزی روزگاری مریخ»، از همان اولین قسمت‌هایش، بیش از هر چیزی، یادآور یکی از مجموعه‌های تلویزیونی موفق دهه ۸۰ تلویزیون، یعنی «مسافران» بود. ساخته به یادماندنی رامبد جوان که اتفاقاً کارگردان‌های مشترک «روزی روزگاری مریخ»، را در مقام نویسنده و تهیه‌کننده همراه خود می‌دید، به این دلیل بسیار محبوب شد که با نگاهی کاملاً تازه و خلاقانه،

محمد عنبرسوز

نقد روز

یکی از سریال‌های هفتگی شبکه نمایش خانگی، مجموعه «روزی روزگاری مریخ»، به کارگردانی مشترک محسن چگینی و پیمان قاسمخانی است؛ مجموعه‌ای با لوکیشن‌های متفاوت و البته با موضوعی که اگرچه تازه و خلاقانه به نظر می‌رسد، در نهایت، بازسازی به‌روزشده‌ای از «مسافران» است و درعین حال از ضعف در برخی مولفه‌های فنی و هنری رنج می‌برد.

● چالش‌های صندلی کارگردانی

طیف گسترده‌ای از مخاطبان پرسابقه سینما و تلویزیون، پیمان قاسمخانی را مهم‌ترین استعداد دهه ۸۰ سینما و تلویزیون ایران در نویسندگی طنز می‌دانند، مردی که کار خود را از دهه ۷۰ آغاز کرد و در دهه ۸۰ با نگارش متن فیلم‌هایی همچون «مارمولک»، «سن پترزبورگ» و «ورود آقایان ممنوع» در سینما و حضور در راس تیم نویسندگان سریال‌هایی مثل «مسافران»، «مرد هزارچهره»، «ساختمان پزشکان» و «شب‌های برره» در تلویزیون، به اوج شهرت و محبوبیت رسید. قاسمخانی که در این دوران، جایگاه ممتازی در عرصه نگارش فیلم‌نامه کمدی پیدا کرده بود و مهم‌ترین نویسنده حرفه‌ای طنز در سینما و تلویزیون ایران شناخته می‌شد، از ابتدای دهه ۹۰ با سودای کارگردانی، مسیر تازه‌ای را در پیش گرفت.

این سینماگر کارکنشته که به‌عنوان نویسنده، سابقه